



# دوران تعمیر

سخترانی مریم رجوی

گردهمایی در ویلنیت پاریس

۳ تیر ۱۳۹۱ - ۲۳ ژوئن ۲۰۱۲

# دوران تغییر

سخنرانی مریم رجوی

گردهمایی در ویلنت پاریس

۳ تیر ۱۳۹۱ - ۲۳ ژوئن ۲۰۱۲



## دوران تغییر

### سخنرانی مریم رجوی

به نام خدا، به نام ایران، به نام آزادی  
و به نام انقلاب دموکراتیک مردم ایران و به نام پایداری اشرفیها و اشرفنشانها  
که نویدبخش فتح و آزادی است.  
هم‌میهنان، یاران مقاومت!  
گرمترین درودها به همه شما.  
امروز، روز میلاد پیامبر جاودان آزادی حسین(ع)، پرچمدار تاریخی هیئات  
منالذله و الهام‌بخش پایداری و تسلیم‌ناپذیری برای همه نسلهاست و هم چنین  
سی و یکمین سالگرد آغاز مقاومت در برابر استبداد مذهبی.  
در چنین روزی و در این گردهمایی می‌خواهم به شما بگویم که از دیدن  
جمعیت پرشور شما چه احساسی دارم:  
من در شما و با شما دهها میلیون ایرانی را می‌بینم که تشنه آزادی‌اند.  
من صدای خواهران دلیرم از سراسر ایران را می‌شنوم؛ صدای زندانیان سرفرازی  
که در سیاهچالهای خامنه‌ای مقاومت می‌کنند، و صدای دانشجویان، کارگران،  
معلمان و همه مردمی که تشنه آزادی و رهایی‌اند.

بله ما صدای همه شما را از سراسر ایران می‌شنویم و فریادتان در گوشمان طنین‌انداز است.

[شعار جمعیت: فریاد هر ایرانی، آزادی، آزادی]

آری فریاد هر ایرانی، آزادی، آزادی است.

من در شما، مردم به جان آمده خاورمیانه را می‌بینم که در برابر تهدید اصلی تمام منطقه، یعنی فاشیسم دینی حاکم بر ایران، ایستاده‌اند. از مردم سوریه تا عراق و افغانستان و سایر کشورهای منطقه که نمایندگانشان در این جا حضور دارند و در شما نیروی عظیم انسانیت و عدالت و عشق و ایمانی را می‌بینم که خستگی و ناتوانی نمی‌شناسد، بزرگترین اجتماعات، طولانی‌ترین تحصن‌ها و نیرومندترین جنبشها را برمی‌انگیزد و پیش می‌برد، دیوار ستبر ناممکنها را می‌شکافد و سر آن دارد که تا قله پیروزی به پیش بتازد.

هم‌میهنان!

حکم دادگاه تجدید نظر واشینگتن علیه برچسب غیرقانونی در مورد مجاهدین، یک دستاورد بزرگ تاریخی در نبرد مقاومت مردم ایران علیه رژیم آخوندی است. دادگاه، بطلان برچسب نامشروع را محرز شناخت و حکم داد که اگر وزارت خارجه تصمیم نگیرد، خود رأساً نامگذاری را لغو خواهد کرد.

این است صدای درهم‌شکستن زنجیرها، فرو ریختن تاریخخانه‌های شیطان‌سازی و شکست تماشایی رژیم ولایت فقیه.

با این نامگذاری می‌خواستند حق ملت ایران را برای تغییر رژیم انکار کنند، اما مقاومت شما با سربلندی تمام این حق را به کرسی نشاند. می‌گفتند در ۲۰۰ سال اخیر هیچ دادگاهی علیه تصمیمات مربوط به امنیت ملی و سیاست خارجی، حکم صادر نکرده است. اما جنبشی که تمام هستی خود را فدای آزادی و رهایی ملتش کرده، در دل تاریکترین تاریخها، روشنایی حقیقت و عدالت را فروزان کرد. گفته بودم که «حقوق ملت ایران را حتی اگر در کام اژدها پنهان کنید، آن را بیرون خواهیم کشید»!

حالا، ما نیامده‌ایم که این نامگذاری و این سیاست شرم‌آور را نکوهش کنیم. ما آمده‌ایم بگوییم که این سیاست باید از بیخ و بن برکنده شود. مگر شما نبودید که برای توجیه حفظ این برجسب، انواع جعلیات وزارت اطلاعات آخوندها علیه مجاهدین را به خورد برخی رسانه‌های آمریکا دادید؟! مگر نبود که مقامهای ناشناس شما پی‌درپی دعای کذب علیه مجاهدین عنوان می‌کردند؟ مگر در محضر قضایه و عدالت آمریکا به این دروغ متوسل نشدید که گویا اشرف هنوز به‌طور کامل بازرسی نشده است؟ حالا نوبت ماست که پرسیم این اکاذیب چه مصرفی جز زمینه‌سازی برای کشتار اشرفیها دارد؟ و کدام قانون، یا کدام اصل اخلاقی و انسانی به شما این مجوز را داده است که حذف نام مجاهدین از لیست را به خالی‌شدن اشرف موکول کنید؟

در فرهنگ مغرب زمین، این گفتهٔ مشهوری است که «قوانین تورات، دست آدمی را از ارتکاب خطا می‌بندد، و قوانین انجیل، فکر و نیت او را». حال این چه دین و آیینی است که بر این گونه وزارتخانه‌ها حاکم است که هم دستشان و هم فکر و نیتشان را برای قانون‌شکنی و توسل به جعل و افترا باز می‌بینند؟ و راستی اگر نبود نمایندگان کنگره و سنا و شخصیت‌های بلندمرتبه‌یی که از میان زمامداران پیشین ایالات متحده به حمایت از مردم و مقاومت ایران و اشرفیها برخاسته‌اند، از سیاست ۳۳ سال اخیر آمریکا با مالاها جز ننگ مماشات چه باقی می‌ماند؟ این بی‌نظیرترین ائتلاف فراحزبی است که سیاست رسمی را به چالش کشیده و شرافتمندانه و شجاعانه از حذف این نامگذاری و از اشرفیها دفاع می‌کند.

من البته امیدوارم که وزیر امور خارجه آمریکا، خانم هیلاری کلینتون، این صفحهٔ پر از ظلم و جور و جفاکاری را از تاریخ سیاست آمریکا ورق بزند و شخصاً بر این نامگذاری غیرقانونی نقطهٔ پایان بگذارد. با این همه، فراتر از هر تصمیمی، هر چه می‌خواهند بکنند، آنچه تعیین‌کننده است، ارادهٔ مردم و مقاومت ایران است که بساط این لیست‌گذاری را در هم می‌پیچد و چنین خواهد شد.

این نامگذاری مثل کلاف شومی، تهمتهای بی‌شمار علیه مقاومت ایران را حفظ یا تولید و بازتولید کرد و راهبند بزرگ آزادی مردم ایران شد. در این سالها آخوندهای حاکم یا همدستان آنها بسیار گفتند و نوشتند که:

اعضای این مقاومت، خودشان، خود را شکنجه می‌کنند و می‌کشند. گفتند که این یک سکت مبتلا به کیش شخصیت است که در جامعه ایران پایگاهی ندارد.

گفتند که آنها در عراق کردها را کشته و شیعیان را قتل عام کرده‌اند، گفتند که تسلیحات شیمیایی را در اشرف پنهان کرده‌اند، و گفتند که ۷۰ درصد اشرفیها را به زور نگهداشته‌اند.

این افتراات یکسره از همین برجسب ارتزاق می‌کرد و در خدمت حفظ رژیم آخوندی بود. با این‌همه، فقط این رنج و پایداری جنبش مقاومت بود که این محاصره و هجوم استعماری-ارتجاعی علیه جنبش مقاومت مردم ایران را درهم شکست.

چنین بود که بعد از احکام بی‌سابقه دادگاههای انگلستان و اتحادیه اروپا، سال گذشته، قضاییه فرانسو در حکم درخشان خود، به مشروعیت و حقانیت مقاومت عادلانه مردم ایران علیه فاشیسم مذهبی اذعان کرد و امسال قضاییه ایالات متحده علیه یک بی‌عدالتی تاریخی در مورد مقاومت ایران گواهی داد.

در تاریخ طولانی و دردناک شیطان‌سازی علیه آزادیخواهان و جنبشهای مقاومت، از اسپارتاکوس و مسیح، تا قهرمانان مقاومت ضدفاشیستی در همین فرانسه تا مجاهدان آزادی در ایران، یک تجربه استثنایی واقع شده است. زیرا این نخستین بار است که جنبشی توانسته در زمانه خود، با فداکاری و روشنگری و البته با پابندی به قوانین بین‌المللی، در محضر دادگاههای اروپا و آمریکا زنجیرهای سستبر این دروغ را از دست و پای خود باز کند.

آری، ما توانستیم بر محاصره سرکوبگرانه جنبش مقاومت، نقطه پایان بگذاریم. ما توانستیم استانداردهای عدالت را در جهان امروز ارتقا دهیم. ما توانستیم چرخه افترا و نیرنگ را در هم بشکنیم. ما توانستیم طرحی نو دراندازیم و دوران تازه‌یی را بکشاییم؛ طرحی بر اساس شفافیت و روشنایی و حقیقت و عدالت، طرح احترام به دستاوردها و فضیلت‌های بشری و بازگشت نهادهای بین‌المللی به دفاع از حقوق بشر؛ طرح اعاده حقوق خلقها و احیای ارزش مقاومت و فداکاری.

نیروی انسانیت و عدالت به میدان آمده است، تاریخ ورق خورده است و دیکتاتورها یکی از پس از دیگری سرنگون می‌شوند، بنابراین سیاستهایی نیز که حافظ آنها بود، باید تغییر کند. این تغییر در توان ماست و ما آن را محقق خواهیم کرد. این است معنای تغییر دوران و دوران تغییر.

در اینجا یاد دانیل میتران بانوی اول حقوق‌بشر و یاد ریموند ابراک و هم‌رزمش لوسی ابراک و یاد لرد کوربت و لرد آرچر را گرامی می‌داریم که در ماههای اخیر بدرد حیات گفتند. آنها از پیشتازان این مبارزه جهانی و بنیانگذاران سیاست مبتنی بر عدالت و انسانیت بودند و نام و نقش ارزنده آنها هرگز فراموش نخواهد شد.

هموطنان عزیز!

تغییر دوران، خود را در غلبه پیروزمند مقاومت ایران بر دسیسه‌های همه‌جانبه رژیم ولایت فقیه و دولت دست‌نشانده‌اش در عراق نیز نشان می‌دهد. همه می‌دانید که در یک سال گذشته، طرح انحلال و انهدام سازمان مجاهدین در میان بود؛ ضرب‌الاجلی برای یکسره‌کردن کار اشرفیها، و قرارداد هفت‌ماده‌یی آخوندها با دولت عراق برای تسلیم یا نابودی این جنبش.

اکنون خوشحالم که به شما و به ملت بزرگ ایران بگویم که امانت شما، این جنبش رزم‌آور ضد رژیم ولایت فقیه، شکوفه قهرمانیهای تاریخ ایران، در پناه لطف خدا، از تاراج خزان و گزند قتل عام و انحلال در امان ماند. و اکنون برای ایفای رسالت تاریخی خود، صد چندان شکافنده‌تر، استوارتر و قدرتمندتر است.

و حالا، آی اشرف‌نشانها!

از شما می‌پرسم آیا شما هم برای مسئولیتهای این دوران، یعنی تلاش و نبرد صدبرابر برای آزادی مردم ایران آماده‌اید؟

[جمعیت: حاضر حاضر حاضر - ما بشمارانیم، فرزند ایرانیم]

آری، به کوری چشم دشمن، اشرف تکثیر شد و اشرفیها بشماران شدند.



در ماههای اخیر، مجاهدان آزادی برای خنثی کردن توطئه‌های رژیم ولایت فقیه و دولت مطیعش در بغداد در چارچوب یک راه‌حل بین‌المللی، جابه‌جایی از شهر اشرف را پذیرفتند.

برای پیشبرد این راه‌حل، اشرفیها بر اساس طرح پارلمان اروپا، از حق اقامت ۲۵ساله خود در عراق چشم پوشیدند و پذیرفتند که از شهر اشرف که آن را با سختی و رنج و خون، ساخته و آباد کرده بودند، صرف‌نظر کنند. با این همه، آنچه قرار بود یک جابه‌جایی داوطلبانه باشد، بر اثر توطئه‌های فاشیسم دینی، بر اثر نقض عهد مکرر دولت عراق و انفعال ملل متحد و ایالات متحده، صورت یک جابه‌جایی اجباری به‌خود گرفت. یک جابه‌جایی که جزء به جزء آن تحمیلی است و یادداشت تفاهمش فاقد خواسته‌های حداقل اشرفیهاست؛ اگرچه مفاد همین یادداشت هم اجرا نشده و در عمل، طرح به زندان فرستادن اشرفیهاست.

من چند هفته پیش گفتم که طرح کمپ ترانزیت موقت، مشخصاً به دلیل رفتار ضدانسانی دولت عراق، از بنیاد شکست خورده و از یادداشت تفاهم امضاشده میان ملل متحد و دولت عراق، چیزی باقی نمانده و باید دوباره آن را نجات داد. ساکنان اشرف نیز در چهارم مه گذشته اعلام کرده‌اند تا وقتی زیرپا گذاشتن ابتدایی‌ترین حقوقشان ادامه دارد، دیگر به لیبرتی نخواهند رفت. اما اگر همین امروز خواسته‌های حداقل آن را تأمین شود، فردا حرکت خواهند کرد. این خواسته‌ها که در ۶ماده تنظیم و برای دبیرکل ملل متحد و دولت آمریکا ارسال شده، بسیار ساده است: به جای زندان کردن لیبرتی، آن‌جا را کمپ پناهندگی اعلام کنید. آب و برق و نیازهای انسانی آن را تأمین کنید، دشمن ما را که در صدد نابودی این جنبش است، در امور ما دخالت ندهید و اشرف را که مدعی هستیید هنوز به طور کامل خلع سلاح نشده، بازرسی کنید یا دست کم، آنچه را که ادعا کرده‌اید، تکذیب کنید.

کسانی که این درخواستها را زیاده‌خواهی ساکنان اشرف توصیف می‌کنند، توضیح بدهند که از چه زمانی حفاظت از جان و امنیت افراد، در زمره امتیازهای اضافی شمرده می‌شود؟

به شما می‌گویند حق ندارید برای رفع اتهام از خود خواستار بازرسی از اشرف

شوید. به جای آن باید به زندان بروید و آن را به عنوان یک راه حل انسانی، به رسمیت بشناسید و اگر با زندان رفتن مخالفید، نامگذاری غیرقانونی ادامه پیدا می‌کند و متهم به قطع مذاکره و عدم همکاری می‌شوید. در حقیقت، قربانی کردن دوباره قربانی را تکرار می‌کنند. یک بار دیگر مسیح باز مصلوب و باز هم عوض کردن جای جلاد و قربانی.

ساکنان اشرف به اقامت در بازداشتگاهی وادار شده‌اند که در آن مانند عصر برده‌داری باید بارهای سنگین را بر دستها و شانه‌های خود حمل کنند. اما باز همین ساکنان اشرفند که مقصر توقف و بحران شناخته می‌شوند.

از یک طرف، از طرف دیگر انواع فشارهای ضدانسانی که هدف آن زمینه‌سازی یک کشتار در لیبرتی است. اما بگذارید تصریح کنم که اگر فکر می‌کنید با این فشارها، مجاهدین از حقوقشان و حقوق و آزادی مردمشان کوتاه می‌آیند، سخت در اشتباهید.

این را هم باید با صدای بلند تأکید و تکرار کنم که این رسم مقاومت ماست که وقتی تعهدی را می‌پذیرد، مسئولانه به آن پایبند است. بنابراین به‌رغم همه توطئه‌های رژیم، مقاومت ایران بر سر تمام تعهدات خود باقی است. بهای پیشبرد این مسیر را تاکنون به تمام و کمال پرداخته و باز هم در این مسیر پیش خواهد رفت. کما این که تا به حال بالاترین انعطافها را داشته و دارد. اما شرط آن تضمین حفاظت، امنیت، سلامت و شرافت مجاهدان آزادی در اشرف و لیبرتی است. امیدواریم که سازمان ملل و آمریکا نیز به تعهدات خود پایبند باشند و دولت عراق را موظف سازند که به تعهداتش عمل کند.

البته ما آمریکا را نه به سیاست وزارت خارجه، بلکه به شما شخصیت‌های عالیرتبه می‌شناسیم. شما که فریاد زدید خارج کردن ساکنان از اشرف به بهانه پروسه پناهندگی، ناعادلانه است و شما که از پایداری فرزندان دلیر مردم ایران بارها تقدیر کردید و از آنها خواستید هر چه محکمتر در برابر آخوندها بایستند. از این رو، امروز از طریق شما، مردم آمریکا و تمام دنیا را به داوری می‌طلبیم. در مورد تعهد اشرفیها به این قرارداد و مذاکرات، راستی چه مدرکی قاطعتر از این که تاکنون ۲ هزار نفر از آنها به لیبرتی منتقل شده‌اند؟

پس چرا به اعتراضات آنها نسبت به تحمیلات ضد انسانی، گوش داده نمی‌شود؟  
 چرا آنها نباید حق مالکیت داراییهای خود را داشته باشند؟  
 چرا حق رفت و آمد آزادانه از آنها سلب شده است؟  
 و چرا افراد مجروح و ناتوان اجازه ندارند تسهیلات ویژه خود را همراه خود داشته باشند؟

من همه کشورهای اروپا و نیز کانادا و آمریکا را فرا می‌خوانم که برای حفاظت ساکنان اشرف و لیبرتی و همچنین برای پذیرش آنها در کشورهای خود، فعالانه اقدام کنند و جلوی یک فاجعه جدید را بگیرند.

دوستان عزیز!

تغییر دوران که با پایداریها و مقاومت‌های پرنج و خون محقق شده، هم‌چنین ایجاب می‌کند که نهادهای بین‌المللی به مسئولیتهای اصلی خود، یعنی حفاظت از حقوق بشر، بازگردند. ما آن نهادهای بین‌المللی را می‌خواهیم که قربانی را به‌خاطر تسلیم‌نشدن سرزنش نکنند و بر سر سرنوشت ساکنان اشرف، با دژخیم حشر و نشر نکنند.

از آنها می‌پرسیم: چرا تماشاچیان منفعل و خاموش دیکتاتورها و واسطه انهدام جنبش مقاومت شده‌اید؟

چرا مجاهدان آزادی را میان کشته‌شدن و زندان رفتن مخیر می‌کنید؟  
 لطفاً چشم باز کنید و ببینید که راستی چرا آخوندها، انهدام این جنبش را بالاترین اولویت خود می‌دانند و آن را دنبال می‌کنند؟ زیرا آنها در دوران تغییر، برای خود و متحدان و وابستگان‌شان در منطقه، هیچ آینده‌یی نمی‌بینند. از این‌رو، زندان‌سازی و سرکوب علیه مجاهدین، بخشی از سیاستی است که انفجارها و کشتارها در عراق و قتل‌عامها در سوریه بخش دیگری از آن را تشکیل می‌دهد.  
 جبهه متحد نسل‌کشی و قتل‌عام، از تهران و بغداد تا دمشق سر به‌جنون برداشته است. و پایداری گسترده‌یی که در برابر آن ادامه دارد، مظهر جهانی است که برای آزادی به پا خاسته است.

این نبردی است که ما و هیچ کدام از خلقهای منطقه آن را آغاز نکرده‌ایم؛ اما

برای آزادی مردمان چاره‌یی جز پیروزی نداریم. بنابراین، بازهم با مسعود همصدا می‌شویم که گفت: «در اشرف یا هر جای دیگری در عراق یا در داخل و خارج ایران، چه در حال، و چه در آینده، تا وقتی این رژیم هست، سرنگونی رژیم ولایت فقیه، حق مسلم ما و حق مسلم خلق ماست».

هم‌میهنان گرامی!

سه رشته مذاکرات اخیر میان گروه کشورهای ۵+۱ با رژیم آخوندها، به بن‌بست انجامید و سیاست تعامل چهارساله آقای اوباما شکست خورد.

ده سال پیش، مقاومت ایران، سایتهای اتمی پنهان رژیم ملاها در نطنز و اراک را افشا نمود. اما متأسفانه دولتهای غرب فرصت بزرگ ده ساله را از دست دادند؛ ده سال، دادن مشوقهای رنگارنگ به آخوندها، ده سال مماشات و تعامل و ده سال مذاکرات بیهوده.

تا به حال، ۳۷ دور مذاکره انجام شده است؛ هر مذاکره برای مذاکره‌یی دیگر. آن هم با رژیمی که هفت قطعهنامه شورای امنیت را زیر پا گذاشته و هر ماه، ۲۰۰ کیلو اورانیوم غنی‌شده، انبار می‌کند.

در ماههای اخیر، سیاست نرمش، شکلهای تازه‌یی پیدا کرده است. از جمله تکرار این ادعای واهی که گویا رژیم ولایت فقیه هنوز برای ساختن بمب تصمیم نگرفته یا این که بگذارید پس از دست‌یافتن به بمب، آخوندها را مهار کنیم. حاصل نهایی این فریبکاریها، یکی بیشتر نیست و آن واگذاری بمب به فاشیسم ولایت فقیه است. اما می‌خواهم مجدداً اعلام کنم که مردم ایران هرگز چنین گزینه‌یی را نمی‌پذیرند.

طرفهای مذاکره می‌گویند هدف ما تعامل با آخوندهاست. اما در اصل، از شاه سلطان حسین پیروی می‌کنند. یعنی سیاست ندبه و زاری، یعنی کف‌زدن و دف‌زدن برای فتوای شهادانه خامنه‌ای دربارهٔ حرام بودن بمب اتمی، یعنی تجاهاول کردن نسبت به خیز آخوندها برای برداشتن گام نهایی.

حال اگر معتقدید که رژیم ولایت فقیه، زیر فشار تحریمهای بین‌المللی، از برنامهٔ بمب‌سازی دست برمی‌دارد، چه خوب! ولی برای تحقق این هدف باید

قاطعیت به خرج بدهید. این البته به سود مردم ایران است که آخوندها جام زهر را سر بکشند و عقب بنشینند. اما اگر یقین کردید که آخوندها هم‌چنان در مسیر ساختن بمب پیش می‌روند، بازهم سیاست صحیح، قاطعیت هرچه بیشتر است. بنابراین آقایانی که خطر اتمی ملاها را کم‌اهمیت جلوه می‌دهید، شما مجرمید! شما که دنیا را در مقابل بحران اتمی ملاها بی‌راه‌حل نشان می‌دهید، شما مجرمید. توقف خطر اتمی ملاها امکان‌پذیر است و تنها راه آن تغییر دیکتاتوری ملاهاست که برعهده مردم و مقاومت ایران قرار دارد. پس اگر حقیقتاً نمی‌خواهید بمب اتمی را به آخوندها تقدیم کنید، با مقاومت مردم ایران برای به‌زیر کشیدن این رژیم، همسو و همراه شوید و خواست آنها را به رسمیت بشناسید: یک ایران بدون سرکوب و اختناق، یک ایران بدون اتمی و یک ایران بدون ولایت فقیه.

و سرانجام خطابم به شما دختران و پسرانم در سراسر ایران است. می‌خواهم از نقش و مسئولیت شما در دوران جدید صحبت کنم:

انقلاب ۵۷ با تلاش نسل جوان ایران به پیروزی رسید. قیام تیر ۷۸ و قیام‌های شکوهمند ۸۸، برآمد اعتراض و خشم شما جوانان ایران بود. و بی‌تردید بهار ملت ایران با شور و نیروی شما شکوفا می‌شود.

آخوندها، در برابر شما، سد قطوری از اختناق و سرکوب ساخته‌اند که در جهان کنونی نظیر ندارد. جنگ روانی گسترده‌یی راه انداخته‌اند که آماج اصلی‌اش باورها، اراده‌ها و امیدهای شماست. هدف اعدام‌های بی‌وقفه، همچون اعدام چهار تن از فرزندان دلیر هموطنان خوزستانی ما در هفته گذشته، مرعوب کردن شماست. روشن است که بی‌زاری از آدمکشان حاکم و فرهنگ و رفتار عقب‌مانده آنها در سراسر جامعه ایران موج می‌زند. اما این انزجار، به تنهایی کافی نیست. شما باید همزمان به دارایی مبارزاتی ملت ایران و سرمایه‌های حقیقی آن چشم بدوزید. به فردای روشن امید داشته باشید و با این امید، شعله‌های مقاومت را برافروزید.

آخوندها از همین می‌ترسند. به همین دلیل، سه هدف عمده را با حمله‌های زهرآگین خود نشانه می‌روند:

نخست، تاریخچه پرافتخار پایداری ملت ایران،

دوم، سازمان و جنبش مقاومت،  
و سوم، فرهنگ و ارزشهای مبارزاتی  
آخوندها می‌خواهند این پندار مایوسانه را دامن بزنند که به‌پس‌دادن برای  
آزادی بیهوده است. و این ایدئولوژی بی‌هزینگی است که باید الگو قرار گیرد.  
آنها چشمه‌های امید جامعه ایران و در قلعه آن اشرف و اشرفیها را هدف قرار  
داده‌اند. می‌خواهند این نتیجه را به شما جوانان ایران القا کنند که «از دست شما  
کاری ساخته نیست و هر تلاشی بی‌فایده است».  
اما حقیقت چیست؟

حقیقت این است که شما نیروی جوان و نوجوی ملتی هستید که از پشتوانه  
یک قرن مبارزه برای آزادی، از انقلاب مشروطه تا نهضت ملی به رهبری مصدق  
بزرگ، برخوردارید و از نظر مبارزاتی و ظرفیت تغییر و دگرگونی، در زمره  
سرشارترین و داراترین ملت‌های جهانید.

من می‌خواهم بگویم که شما تنها نیستید، شما به یک جنبش مقاومت  
سازمانیافته متکی هستید؛ جنبشی که طی سه دهه در برابر سرکوب قرون  
وسطایی آخوندها، شعله‌های پیکار آزادی را فروزان نگهداشته است، جنبشی  
سرشار از ارزشها و نیروی تغییر دهنده انسانی و جنبشی با یکصد و بیست هزار  
شهید، با ۳۰ هزار مجاهد و مبارز قتل عام شده، و قهرمانانی همچون صدیقه و ندا  
و هزاران هزار گل سرخ دیگر؛ جنبشی بناشده بر آرمان آزادی، که از فردای سرقت  
انقلاب ایران توسط خمینی، مرزهایش را با ارتجاع و انحصارطلبی و دیکتاتوری  
ترسیم کرد و راهبرش برخلاف همه دعای چپ‌نمایانه گفت: مسأله اصلی انقلاب  
ایران، مسأله آزادی است.

راهبری که بر «یک آرمان» و «یک تعهد» پای فشرد و یک لحظه از آن دست  
برنداشت:

بله، آرمان آزادی و تعهد قیمت‌دادن برای آزادی؛ تعهدی، البته در اوج آگاهی  
و خرد انقلابی، با اشرف به تمامی خطرهای کمین‌کرده بر سر راه.  
گوش کنید که مسعود درباره این آرمان و این تعهد، چه گفته است: «وقتی  
مقاومت ما پیروز شود، یکی از بزرگترین موانع جنبشهای آزادیخواهی معاصر و بلکه

مهمترین عامل انحراف و اضمحلال آنان که همانا تجاوز به حریم مقدس "آزادی" تحت انواع و اقسام بهانه‌ها است، از میان برداشته می‌شود. آری، در انسانشناسی توحیدی، احیای مقوله آزادی همانا احیای بشریت است.»

ما رهروان مسیری هستیم که به احیای مقوله آزادی و به احیای بشریت و ارزشهای انسانی، قیام کرده است. بله، ما به این آرمان، به این مسیر و به این راهبر افتخار می‌کنیم.

در پرتو این افق بلند، بسا تضادهای بغرنج سیاسی و مبارزاتی و آرمانی حل شده است؛ تضادهایی که جنبشها و قیامهای کنونی در خاورمیانه و شمال آفریقا تازه با آن آشنا می‌شوند. تجربه درهم شکستن دعاوی اسلام‌پناهی ارتجاعی و دجالگریهای ضداستکباری که جامعه ایران سالهاست آن را پشت سر گذاشته است. تجربه شکل‌گیری دیرپاترین ائتلاف سیاسی تاریخ ایران و اتحاد عمل جریانها و شخصیتها با عقاید مختلف و در یک مناسبات دموکراتیک، در شورای ملی مقاومت ایران.

تجربه مقابله و افشای صدور ارتجاع و تروریسم رژیم ولایت فقیه به عنوان تهدید امروز جهان و به ویژه تجربه تشکیلات مجاهدین در یک مناسبات دموکراتیک و تجارب انسانی پیشرفته آن که دکتر آخووی‌دال کوادراس نایب رئیس پارلمان اروپا در دیدارش از اشرف آن را یک «الگو و مرجع اخلاقی و معنوی برای جهان» توصیف کرد. به همین دلیل است که از نظر آخوندها، اشرف ممنوعه‌ترین کلام در ایران امروز است.

بگذارید بار دیگر تصریح کنم که هدف این جنبش، به‌دست گرفتن قدرت به هر قیمت، نبوده و نیست. هدف ما، تضمین آزادی و دموکراسی، به هر قیمت است و هم‌چنان که بارها گفته‌ایم، همین که در مزار شهیدانمان در خاوران باشیم، برای ما کافی است.

هدف ما یک جمهوری مبتنی بر جدایی دین و دولت است که در آن، همه ادیان و مذاهب، از حق مساوی برخوردارند. و برنامه ما در این سه کلمه خلاصه می‌شود: آزادی، دموکراسی و برابری.

پس ای هموطنان!  
زنان آزاده ایران، معلمان، دانشگاهیان، دانشجویان، دانش آموزان!  
کارگران و زحمتکشانی که با فشار فزاینده گران و محرومیتها و تحمیلهای  
ارتجاعی روبه‌رو هستید،  
و ای جوانان دلیر ایران!  
زمان، زمان برخاستن است.  
رو در روی استبداد مذهبی، شما از قویترین پشتوانه، و نیروی جبرشکن  
مقاومت رهاییبخش برخوردارید،  
همه شما را فرا می‌خوانم که برای آزادی مردم و میهن اسیر، به پا خیزید.  
کلید پیشروی، همانا کلمه «آزادی» است، آری آزادی، خجسته آزادی.  
پس می‌توان و باید بر افسون یأس و تسلیم شورید  
می‌توان و باید ارباب آخوندی را درهم شکست  
و می‌توان و باید آزادی را بر ظلمت و تباهی پیروز کرد.  
این است آن کیمیای عشق و نور که «خاک خسته را صبح و سبزه می‌کند».  
این است اشرف و راه و رسمش و این گونه است که تکثیر می‌شود.  
سلام بر مردم ایران  
سلام بر مجاهدان اشرف و لیبرتی  
سلام بر آزادی  
سلام بر همه شما



